

صفحات ۲۴۳ - ۲۱۳

تحلیل ظرفیت های اخلاق اسلامی در جنبش های اعتراضی جهادگران فلسطینی بر دگرترین امنیت ملی اسرائیل

مریم هاتفی^۱
محمد حسن نامی^۲
عزت اله عزتی^۳

چکیده

صهیونیست ها به خوبی می دانند که در اخلاق اسلامی جهاد یک جنگ دفاعی است نه تهاجمی؛ مسلمانان به قصد کشورگشایی و تجاوز به حقوق غیر مسلمانان نمی جنگند؛ بلکه مبارزه مسلمانان برای حفظ موجودیت جامعه اسلامی و دفاع از اسلام است. این مقاله بر اساس مدل SWOT نشان خواهد داد مبارزه مسلمانان فلسطینی بر پایه اخلاق اسلامی بر علیه تجاوزهای رژیم صهیونیستی به معنی جنگ، خشونت و بد اخلاقی رایج در جنگ های امروزی نیست، بلکه فلسطینیان در هر حال ارزش های اخلاقی را طبق موازین دین مبین اسلام محترم شمرده و میدان جنگ را صحنه دفاع از حقانیت آیین اسلام و سرزمین مادری خویش می دانند؛ این مقاله در تلاش است تا با تحلیل ماتریس های بهار عربی و امنیت مسلمانان فلسطینی نگاهی جامع از تلاش های محور مقاومت و جنبش حماس بر پایه اخلاق اسلامی برای حفظ امنیت شهروندان فلسطینی در مقابل دگرترین امنیت ملی رژیم صهیونیستی ارائه دهد.

واژگان کلیدی

بهار عربی، اخلاق اسلامی، جنبش مقاومت، دگرترین امنیت ملی اسرائیل.

۱. دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Email: Maryam.hatefi.zad@gmail.com

۲. استاد گروه جغرافیای سیاسی، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

Email: Dr.m.h.nami@gmail.com

۳. استاد گروه جغرافیای سیاسی، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Email: e-ezzati@srbiau.ac.ir

پذیرش نهایی: ۱۳۹۶/۶/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۷/۱۹

طرح مسأله

اعتراض یا تظاهرات ابراز مخالفت علیه دولت و نهاد سیاسی و یا در دفاع از جنبش عمومی است که اغلب به روش‌های متعددی انجام می‌شود و معمولاً کوتاه مدت است. در این رابطه جنبش‌های اعتراض آمیز بازتاب بعد کلیدی و اصلی زندگی سیاسی، یعنی رابطه میان فرمانروایان و فرمانبرداران است. فقر اخلاقی، فقر اقتصادی، فروپاشی دولت، خشونت قومی، جدایی طلبی قومی، عدم تساهل مذهبی و نابودی محیط زیست از جمله مشکلاتی است که فرمانروایان با آن دست به‌گریبان هستند.

مجموعه شورش‌هایی که به عنوان بهار عربی شناخته می‌شوند، در هفته‌های آخر سال ۲۰۱۰ در تونس شروع شد و در عرض شش ماه تغییراتی را در منطقه بوجود آورد که بیشتر از تحولات ۶۰ سال گذشته بود. نگاه رهبران اسرائیلی در جریان بهار عربی بیش از پیش به امنیت ملی و در سطحی کلان به استراتژی امنیت ملی اسرائیل معطوف شد.

به موازی فشارهایی که بر رژیم صهیونیستی برای حل این مشکلات وارد می‌شود، خشم مسلمانان نیز افزایش می‌یابد و جنبش‌های اعتراضی مسلمانان جهادگرا علیه رژیم صهیونیستی و دولت‌های دور از ارزش‌ها و اخلاقی اسلامی به صورت خودجوش سازماندهی می‌شوند. گروه‌های ناراضی مسلمانان به هنگام رویارویی با سیطره سیاسی باید از میان انواع متفاوت تاکتیک، یکی را انتخاب کنند؛ نظیر: خشونت در برابر رفتار مسالمت آمیز، علنی در برابر پنهانی، سازمان یافته در برابر خودجوش، و برخورد در برابر تشکیل ائتلاف با دیگر گروه‌ها؛ در واقع اهداف و توقع دستیابی به جامعه‌ای مبتنی بر ارزش‌ها و اخلاق اسلامی، افراد و گروه‌ها را برای تصمیم‌گیری مناسب جهت شرکت در یک فعالیت اعتراض آمیز راهنمایی می‌کند. با توجه به فعالیت گسترده محور مقاومت در مناطق شیعه نشین لبنان و نوار غزه ضروری ست ظرفیت‌های اخلاق اسلامی در جنبش‌های اعتراضی جهادگران فلسطینی بر دکتترین امنیت ملی اسرائیل مورد تحلیل قرار گیرد.

روش تحقیق

در این مقاله برای دستیابی به ظرفیت‌های اخلاق اسلامی در جنبش‌های اعتراضی جهادگران فلسطینی بر دکتترین امنیت ملی اسرائیل پس از مطالعات کتابخانه‌ای و بر اساس روش پویا محیطی چهار حوزه جنبش‌های اسلامی بهار عربی، حماس، شهروندان فلسطینی و اسرائیل برای استخراج عوامل کلیدی در نظر گرفته شد. پس از شناسایی نقاط ضعف، قوت، فرصت‌ها و تهدیدها، ماتریس‌های ارزیابی عملکرد خارجی، ارزیابی عملکرد داخلی، IE، SWOT و SPACE تشکیل گردیدند تا مشخص گردد جامعه هدف در کدام شرایط استراتژیک قرار دارد. به دنبال آن استراتژی‌هایی طراحی و با استفاده از ماتریس QSPM

اولویت بندی گردیدند.

۱. اسلام و اخلاق شناسی

اسلام به خصوص با نگاه شیعی، قوانین و آموزه‌های اخلاقی فراوانی در مورد جنگ و جهاد اسلامی دارد و همین مسائل است که جهاد اسلامی را از جنگ‌های دیگر و بینش‌های مکاتب دیگر در مورد جنگ، متمایز می‌سازد. به تعبیر دیگر، گذشته از سطره قوانین حقوقی اسلام بر عوامل و شرایط جنگ، قوانین و دستورهای اخلاقی بسیاری نیز وجود دارد؛ آموزه‌هایی که با قید فی سبیل‌الله آغاز می‌شود و امور مختلفی از جمله نیت اخروی داشتن، مراعات تقوای الهی، آغازگر جنگ نبودن، رفتارهای غیر انسانی نکردن را در بر می‌گیرد و با مراعات حقوق حیوانات، مزارع و درختان پایان می‌پذیرد. اگر این قوانین در جهاد اسلامی مراعات نگردد، علاوه بر اینکه آن جهاد مورد تأیید اسلام نیست، مبارزین آن گرفتار عقوبت الهی خواهند شد.

(<http://afghanistan.shafaqna.com>)

۱-۱. اخلاق

برخی از دانشمندان اسلامی معاصر، افعالی را که انسان به سبب باور درونی انجام می‌دهد؛ اما انجام آن به آسانی و بدون فکر نیست؛ بلکه با زحمت و سختی همراه است و هنوز از ملکه نفسانی نشئت نگرفته، فعل اخلاقی دانسته‌اند؛ زیرا باور دارند که آن افعال برای رسیدن به مقصد (قرب الهی) تأثیر گذارند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۹: ۲۴)

۱-۲. جهاد

در اصطلاح، جهاد را به بذل جان و مال با هدف بالا بردن و اعتلای کلمه اسلام و اقامه شعائر دینی یا کوشش در جنگ با مشرکان یا اهل بغی، به شکل مخصوص با جان و آنچه که متوقف بر آن است (مال و ثروت) تعریف کرده‌اند. (<http://afghanistan.shafaqna.com>)

۲. بهار عربی

به انقلاب‌ها، خیزش‌ها و اعتراضات در جنوب غربی آسیا و شمال آفریقا در سال‌های از ۲۰۱۰ گفته می‌شود که تاکنون ادامه دارد. این اعتراضات بدان سبب که در کشورهای عرب در حال پیگیری است با عنوان بهار عربی یاد می‌شود. از این جریان در ادبیات رسمی حکومت جمهوری اسلامی به منظور مرتبط کردن انقلاب سال ۵۷ در ایران از آن به عنوان بیداری اسلامی یاد می‌شود. محمود احمدی‌نژاد رئیس‌جمهوری سابق ایران نیز، با عنوان بیداری انسانی از این رویداد یاد می‌کرد. البته در ایران برخی افراد نخبه و سرشناس از تعبیر دیگری برای توجیه این رویداد استفاده می‌کنند و بیداری اسلامی را ظاهر فریبنده این تحولات می‌دانند. تا به امروز مجموعه‌ای بی‌سابقه و در حال جریان از قیام‌ها، راهپیمایی‌ها و اعتراضات در کشورهای عمدتاً عرب‌نشین شمال آفریقا و جنوب غرب آسیا صورت گرفته است. حاکمان در تونس، مصر لیبی و

یمن از قدرت ساقط شده‌اند، قیام مدنی در بحرین و سوریه فوران کرده است. تظاهرات بزرگ در الجزایر؛ عراق، اردن، کویت، مراکش و سودان گسترش پیدا کرده است و اعتراضات جزئی که در لبنان، موریتانی، عمان، عربستان سعودی و صحرای غربی رخ داده‌است و نیز در مرزهای اسرائیل در ماه مه ۲۰۱۱ برخوردهایی اتفاق افتاده‌است.

۳. دکترین امنیتی اسرائیل

هیچ دولتی بعد از جنگ جهانی دوم، در مورد وضعیت امنیتی خود به اندازه اسرائیل نگرانی نداشته است. علیرغم اینکه اسرائیل با برخی از همسایگان خود مانند مصر و اردن، صلح نموده و معاهدات صلح را امضاء نموده است و با وجود برتری در حیطه تسلیحاتی، تهدید جنگ تمام عیار میان اعراب و اسرائیل به عنوان یک واقعیت برای سیاستمداران و استراتژیستهای صهیونیست به حساب می‌آید.

لذا طراحان نظامی این رژیم به تدوین مجموعه‌ای از مفاهیم و اصول برای بقای نظام خود پرداخته‌اند. این مفاهیم، پاسخ رژیم صهیونیستی به محیط جغرافیایی، دیپلماتیک و منابعی است که در آن زندگی می‌کند و مبتنی بر تجربیاتی است که طی دوران حیات خود در جنگ و صلح به دست آورده است. از آنجا که این مفاهیم در مقاطع مختلف زمانی به وجود آمده‌اند و در یک مجموعه مرتبط با هم ادغام نشده‌اند، نمی‌توان آنها را نظریه‌ای منسجم و نظام مند درباره امنیت ملی نامید. با اینهمه، اندیشه و عملکرد رژیم صهیونیستی را در دوره حیات آن رقم زده‌اند. از دوران بن‌گورین مرسوم شد که وزارت دفاع، مبانی استراتژی همه جانبه یا مفاهیم امنیت راهبردی (یا ملی) را تعیین و ستاد کل نیروهای مسلح، دکترین نظامی و نیازمندیهای عملیاتی و تاکتیکی اش را مشخص کند. (فصلنامه مطالعات دفاعی و امنیتی ۱۳۸۲، ۲۱۹)

دکترین امنیتی اسرائیل، طرح ثابت و اساسی رژیم برای آمادگی، آرایش نیروها و جنگ، در جهت دفاع از موجودیت دولت اسرائیل به عنوان دولت یهود می‌باشد. این دکترین در سالهای تشکیل اسرائیل و بعد از ظهور آن در خاورمیانه تنظیم گردید. معماران این رویکرد به عوامل استراتژیکی که نشان دهنده موقعیت اسرائیل می‌باشد و مؤلفه‌هایی که موجودیت اسرائیل را تهدید می‌کند، جهت رسیدن به اهدافی که با در نظر گرفتن محدودیتهای قدرت این رژیم قابل دسترسی است، توجه نمودند. (المسیری ۱۳۷۹، ۱۴۵)

اسرائیل همواره برای جلوگیری از شکست در جنگ و ایجاد بازدارندگی یا مسلط شدن بر اوضاع بحرانی و جنگ و تعیین سریع و قاطع پیامد آن، نیاز به توانمندیهایی است، که بدون دستیابی به آنها، تعیین چنین اهدافی امکان پذیر نیست. توانمندیهای مورد نیاز برای تحقق این اهداف در استراتژی امنیت ملی اسرائیل به شرح زیر مورد تأکید قرار گرفته است:

- توانایی اطلاعاتی و جاسوسی.
 - توان بالا برای تخریب اهداف نظامی متحرک دشمن.
 - توانمندی در زمینه سلاحهای دوربرد.
 - دفاع ضد موشکی.
 - توانایی لازم نظامی برای هر شرایط آب و هوایی و با قابلیت استتار بالا.
 - سیستم آموزشی پیشرفته.
- چنانکه از اصول فوق برمی آید، اسرائیل هم دفاع و هم تهاجم را لحاظ نموده و آنچنانکه استراتژیستهای این کشور مورد تأکید قرار داده اند، استراتژی دفاعی و تاکتیک تهاجمی را همزمان دنبال می کنند. برای رسیدن به مرحله آمادگی تهاجمی و دفاعی کامل، دستیابی به توان بالای نظامی ضروری است. از اینرو در استراتژی اسرائیل، «حفظ بالاترین سطح آمادگی برای جنگ» به عنوان اصلی مهم در فعالیتهای نظامی اسرائیل محسوب می شود.
- تفکر امنیتی اسرائیل به طور سنتی، وابستگی و تعلق زیادی به وسعت سرزمینی (با توجه به نداشتن عمق استراتژیک کافی) دارد.
- پاسخ اسرائیل در مورد فقدان عمق استراتژیک،^۱ توسط بن گورین در سال ۱۹۴۸ با طرح مسئله کشاندن جنگ به سرزمین دشمن، داده شد. اهمیت عملیاتی این فرمول مبتنی بر فرض وضعیتی تهاجمی در مواجهه با دولتهای عرب بود.
- (<http://www.idf.il/english/doctrine/docs.stm>)
- در بحث مؤلفه ها و عناصر تأمین امنیت، شهروندان اسرائیلی به عنوان سربازانی که همواره آماده به خدمت می باشند، نقش مهمی ایفا نموده اند. این الگوی اسرائیلی تحت عنوان «ملت مسلح»، دلالت بر بهره برداری از ظرفیت قدرت انسانی آن، جهت نیل به اهداف نظامی دارد.
- یوری بار جوزف^۲ به چهار عنصر کلیدی مفهوم امنیت از دیدگاه رهبران اسرائیل اشاره می کند و آنها را چنین برمی شمارد:
- عدم تناسب میان منافع ملی اسرائیل و اعراب، بویژه در مورد قلمرو، جمعیت و تولید ناخالص ملی. از اینرو اسرائیل خواهان حفظ وضع موجود و اتخاذ سیاست دفاعی در برابر اعراب است.
 - اساسی ترین و خطرناک ترین تهدید نسبت به موجودیت و بقای اسرائیل، حملات غافلگیرانه اعراب می باشد، از اینرو اسرائیل باید بر حجم توان دفاعی خود بیفزاید.

- با توجه به دو مورد مذکور، دکترین امنیت ملی اسرائیل بر سه ستون بنا نهاده شد: بازدارندگی، هوشیاری استراتژیک و قاطعیت.

- پیامدهای عملی این دکترین دو امر اساسی است: افزایش توان تکنولوژی نظامی و پاسخ سریع به تهدیدات. (فصلنامه مطالعات دفاعی و امنیتی، ۱۳۸۲، ۲۱۴)

۴. ارزیابی فرصت ها

۴-۱. شکست راهبردهای آمریکا در منطقه و گسترش تنفر مردم

ناکامی‌های مستمر آمریکا در منطقه از یکسو و تنفر مردم منطقه و جهان اسلام از عملکرد آمریکا، موقعیت این کشور را به شدت تنزل داده است. طبیعی است ضعف آمریکا، فرصت قابل توجهی برای حماس در مبارزه با سیاست‌های سلطه طلبانه این کشور ایجاد کرده باشد.

(www.basirat.ir)

۴-۲. بحران مالی آمریکا و جهان غرب

بحران مالی جهان غرب در قرن حاضر برای اولین بار در سال ۲۰۰۵ ظاهر شد و هم اکنون به مهمترین مشکل اساسی دنیای غرب مبدل شده؛ مشخصه اصلی این معضل، کاهش میزان نقدینگی در سیستم بانکی و اعتباری کشورهای غربی به ویژه آمریکا است و بیش تر مؤسسات متضرر، مراکز مالی سرمایه گذاری و بیمه اند؛ این بحران از بازار مسکن آمریکا آغاز شد و حاصل آن افراد بدهکار به سیستم بانکی است. خانه‌های این افراد که برای ضمانت در نظر گرفته شده بود، به نقدینگی تبدیل نمی شد. این بحران که ابتدا در مراکز اعتبارگشایی بروز کرد به علت نقد نشدن وثیقه دریافت کنندگان وام به وجود آمد.

ریشه‌های این مشکل را می توان به دو عامل عمده تقسیم کرد:

- جنگ های خاورمیانه و تبعات ناشی آن در سیستم اقتصادی آمریکا
- علایم رکود در اقتصاد ایالات متحده و نشر آن به سراسر جهان

نتیجه این رکود و تمرکز آمریکا بر ایجاد تشویش و آشوبگری در خاورمیانه دست رفتن جایگاه آمریکا در اقتصاد جهان تا سال ۲۰۲۵ خواهد بود. در این رابطه شورای اطلاعات ملی این کشور گزارشی با عنوان «روندهای جهانی ۲۰۲۵ جهان تغییر یافته» منتشر و در آن آورده است: «در صورت حفظ روندهای کنونی، روسیه پس از ۲۰ سال به پنجمین اقتصاد جهانی مبدل خواهد شد و اگر بهای جهانی نفت افزایش یابد این کشور می تواند قبل از سال ۲۰۲۵ به این جایگاه برسد.»

وضعیت در اروپا بهتر از آمریکا نیست. داده های آماری از عملکرد اقتصادی اتحادیه اروپا و انگلیس، از رکود اقتصادی در این کشورها خبر می دهد. شاخص خرید مدیران (پی.ام. ای) که شاخص مهمی برای پیش بینی فعالان اقتصادی در باره رونق کسب و کار است به پایین ترین

سطح از سال ۲۰۰۱ تا کنون رسیده است. شاخص های ماهانه خرید در سطح خرده فروشی نیز از فوریه ۲۰۱۷ در حال تنزل بوده است. گزارش هایی از کاهش معنادار قیمت ساختمان و مستغلات در بریتانیا، اسپانیا و ایرلند وجود دارد که در دهه گذشته شاهد رونق در بخش ساختمان بوده اند؛ در حالی که اقتصاد آلمان، به عنوان بزرگ ترین صادرکننده کالا در جهان با کاهش سفارش از خارج مواجه شده است و در این بحران مالی جهان غرب به ویژه آمریکا هم چنان در تلاش است تا با صرف هزینه های کلان اقتصادی و سیاسی - نظامی در راستای اهداف رژیم صهیونیستی گام بردارد. (<http://www.hawzah.net>)

۳-۴. شکل گیری جنبش اعتراضی وال استریت در شهرهای آمریکا

در پی بحران های مالی ایالات متحده آمریکا اعتراض به مسائلی همچون فقر، بیکاری، قدرت و نفوذ شرکت های بزرگ، نابرابری اجتماعی، جنگ های خاورمیانه، بدهی دانشجویان و پاداش های زیاد برای مجریان وال استریت، از جمله اهداف آغاز جنبش اعتراضی وال استریت اعلام شده است. تظاهرکنندگان خواهان وضع مالیات بیشتر بر طبقه ثروتمند و پاسخگویی بانک ها در قبال اقداماتشان هستند که به بحران اقتصادی آمریکا دامن زده است. نکته قابل تامل آن است سرمایه داران رژیم صهیونیست و یهودیان درصد بالایی از طبقه مرفه سرمایه دار در این کشور را شامل می شوند.

با آغاز این اعتراضات که نه تنها برای دولتمردان آمریکا بلکه برای دیگر مردم جهان نیز غیرمنتظره بود، در فاصله ای کمتر از یک ماه شعار محوری جنبش، «۹۹ در صد در برابر یک در صد» بازتاب جهانی عظیمی پیدا کرد و به بقیه نقاط جهان که در ارتباط با نظامی سرمایه داری بودند تسری یافت و اعتراض های بین المللی نسبت به آنچه «طمع سیستم بانکی» خوانده شده، ابعادی گسترده تر از قبل یافت. (محمودی ۱۳۹۲، ۳)

۴-۴. افزایش خود آگاهی و بیداری ملت ها در سراسر جهان به ویژه در کشورهای اسلامی

در بیانات مقام معظم رهبری در مراسم بیست و پنجمین سالگرد رحلت امام خمینی به بهترین شکل بدین موضوع اشاره گردیده است. ایشان می فرمایند:

«دشمنان ما به قصد دشمنی نام ما را بردند و درباره ی امام ما و نظام ما سخن گفته اند، اما «إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا. وَ أَكِيدُ كَيْدًا»؛ این را خدای متعال می فرماید؛ آنها با این نیت، این حرکت وسیع را آغاز کردند اما در نهایت برای ما یک فرصتی به وجود آمد، چون حس کنجکاوی مستمعان این دستگاه ها در سراسر جهان تحریک شد. در کشورهای اسلامی و در منطقه ی ما بیداری اسلامی - که احساسات ضد استکباری در آن بر هر پدیده ی دیگری غلبه داشت - خود

نشانه‌ی همان کنجکاو و پاسخ‌گیری و پاسخ‌یابی است، و این همچنان ادامه دارد. ممکن است دستگاه‌های اطلاعاتی غربی و آمریکایی این جور به بزرگ‌ترهای خودشان گزارش کنند که توانسته‌اند بیداری اسلامی را در منطقه‌ی ما سرکوب کنند. اگر این جور خیال کنند، این هم یکی دیگر از خطاهای راهبردی و غلط‌تحلیل‌کردن‌های دشمنان ما خواهد بود. بیداری اسلامی ممکن است برای مدتی، در بخشی از دنیای اسلام سرکوب بشود اما بلاشک ریشه‌کن نخواهد شد؛ گسترش خواهد یافت؛ و این فهم، این ادراک، این دریافت در کشورها و در نسل جوان مسلمان در این منطقه، چیزی نیست که به این آسانی‌ها بتوانند آن را از بین ببرند؛ البته تلاش می‌کنند، تلاش‌هایشان ممکن است در بعضی از بخش‌ها برای مدت کوتاهی موفقیت‌آمیز هم به نظر برسد، اما در نهایت ابر است. (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۳/۰۳/۱۴)

رهبر معظم انقلاب در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری در مبحث بیداری اسلامی مطالب قابل‌تاملی را بیان فرمودند؛ ایشان می‌فرمایند: «نکته‌ی بعدی در مورد واقعیت‌های جهانی و اوضاع جهانی، بیداری ملت‌ها است؛ حالا ما گفتیم بیداری اسلامی در منطقه‌ی شمال آفریقا و منطقه‌ی عربی، علیه این تعبیر جبهه‌گیری شد که نه، این بیداری اسلامی نیست، ربطی به اسلام ندارد؛ معلوم شد که چرا، کاملاً ربط به اسلام دارد؛ خب، حالا به‌حسب ظاهر [آن را] خاموش کردند اما خاموش‌شدنی نیست. وقتی احساس وظیفه‌ی اسلامی در یک ملتی به‌وجود آمد، احساس هویت اسلامی وقتی در یک ملتی به‌وجود آمد، به این آسانی‌ها نمی‌شود این را از بین برد؛ حالا گیرم یک دولتی سرکوب بشود یا برکنار بشود - یا با کودتا، یا با هر عارضه‌ی دیگری - لکن آن روحی که در مردم به‌وجود می‌آید، آن خودباوری و خودبازبایی هویت اسلامی، این به این آسانی‌ها از بین نخواهد رفت و از بین هم نرفته است. امروز در همان مناطقی و در همان کشورهایی که بیداری اسلامی به‌وجود آمده بود، همچنان مثل دیگ جوشانی در حال غلیان است؛ این جور نیست که این بیداری از بین رفته باشد. این هم یکی از واقعیت‌های دنیا است؛ استقامت اسلامی اوج گرفته. (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲/۱۲/۱۵)

«بی‌شک دوران کنونی، دوران بیداری و هویت‌یابی مسلمانان است؛ این حقیقت را از خلال چالش‌هایی که کشورهای مسلمان با آن روبه‌رو شده‌اند نیز بروشنی میتوان دریافت. درست در همین شرایط است که عزم و اراده‌ی متکی به ایمان و توکل و بصیرت و تدبیر، میتواند ملت‌های مسلمان را در این چالش‌ها به پیروزی و سرفرازی برساند و عزت و کرامت را در سرنوشت آنان رقم زند. جبهه‌ی مقابل که بیداری و عزت مسلمانان را بر نمی‌تابد، با همه‌ی توان به میدان آمده و از همه‌ی ابزارهای امنیتی، روانی، نظامی، اقتصادی و تبلیغاتی برای انفعال و سرکوب مسلمانان و به خود مشغول ساختن آنان بهره می‌گیرد. نگاهی به وضعیّت کشورهای غرب آسیا از پاکستان و افغانستان تا سوریه و عراق و فلسطین و کشورهای خلیج فارس، و نیز کشورهای شمال آفریقا از

لیبی و مصر و تونس تا سودان و برخی کشورهای دیگر، حقایق بسیاری را روشن می‌سازد. جنگ‌های داخلی؛ عصبیت‌های کور دینی و مذهبی؛ بی‌ثباتی‌های سیاسی؛ رواج ترور بی‌سم قساوت‌آمیز؛ ظهور گروه‌ها و جریان‌های افراط‌گر که به شیوه‌ی اقوام وحشی تاریخ، سینه‌ی انسان‌ها را میشکافند و قلب آنان را با دندان میدرنند؛ مسلحینی که کودکان و زنان را میکشند، مردان را سر میبرند و به نوامیس تجاوز میکنند، و حتی در مواردی این جنایات شرم‌آور و مسمم‌کننده را به نام و زیر پرچم دین مرتکب میشوند؛ همه و همه محصول نقشه‌ی شیطانی و استکباری سرویس‌های امنیتی بیگانگان و عوامل حکومتی همدست آنان در منطقه است که در زمینه‌های مستعد داخلی کشورها امکان وقوع می‌یابد و روز ملت‌ها را سیاه و کام آنان را تلخ میکند. یقیناً در چنین اوضاع و احوالی نمیتوان انتظار داشت که کشورهای مسلمان، خلأهای مادی و معنوی خود را ترمیم کنند و به امنیت و رفاه و پیشرفت علمی و اقتدار بین‌المللی که برکات بیداری و هویت‌یابی است، دست یابند. این اوضاع محنت‌بار، میتواند بیداری اسلامی را عقیم و آمادگی‌های روحی پدید آمده در دنیای اسلام را ضایع سازد و بار دیگر، سال‌های دراز، ملت‌های مسلمان را به رکود و انزوا و انحطاط بکشاند و مسائل اساسی و مهم آنان همچون نجات فلسطین و نجات ملت‌های مسلمان از دست‌اندازی آمریکا و صهیونیسم را به دست فراموشی بسپارد (بیانات مقام معظم رهبری ۲۲/۰۷/۱۳۹۲).

۵-۴. ایجاد ارزش‌های جدید ایدئولوژیک و فرهنگی در جهان غرب

در پی این بحران‌های معنوی و معرفتی، جنبش‌های دانشجویی در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ آمریکا و اروپا را فراگرفت. این امر باعث شد تمدن غرب در صدد ترمیم خودش برآید. یعنی بعد از سال‌ها کنار گذاشتن دین و کوشش در جهت حذف معنویت و باور به عالم ماوراء ماده، مشکلات و بحران‌های روانی و اجتماعی متنوعی برای غرب پیش آمد که همه بر آمده از عدم پاسخگویی مدل زندگی مدرن به نیازهای ژرف انسانی بود. دلایل شیوع این عرفان‌ها متعدد است. صنعتی شدن جوامع و کاهش عواطف و احساسات در میان مردم و افسردگی و خستگی ناشی از آن از جمله عوامل موثر در گرایش به این نوع مکاتب در جوامع غربی هستند.

۱-۵-۴. تغییر ساختار داخلی اسرائیل

انقلاب‌های مردمی در کشورهای عربی مجموعه‌ای از چالش‌های گسترده و فرصت‌های اندک را برای رژیم صهیونیستی ایجاد کرده و باعث تغییرات اساسی در ساختار داخلی این رژیم شد.

مرکز مطالعاتی الزیتونه با انتشار کتابی با عنوان سیستم امنیتی اسرائیل و انقلاب‌های عربی نوشته دکتر عدنان عبدالرحمن ابوعامر به بررسی فرصت‌ها و چالش‌های خیزش‌های مردمی در جهان عرب در تعامل با رژیم صهیونیستی پرداخته است. فصل سوم که بعد از انقلاب‌های عربی

محافل امنیتی و سیاسی رژیم صهیونیستی به این اعتقاد رسیدند که مرحله‌ای از بی‌ثباتی در خاورمیانه ایجاد خواهد شد. در همین رابطه ارتش اسرائیل که مهم‌ترین خاستگاه رژیم صهیونیستی به شمار می‌رود، در سایه زلزله بزرگی که در جهان عرب به وقوع پیوست، دچار تزلزل‌های شدیدی شد، چرا که نمی‌دانست چگونه این خیزش‌های مردمی به پایان خواهد رساند. (خبرگزاری تسنیم ۱۳۹۰، کد خبر 30394969)

چیزی که باعث ترس و وحشت اسرائیلی‌ها شده بود، این بود که حاکمیت‌های افراطی جایگزین حاکمیت‌های از بین رفته شوند. این رویکرد را پیروزی انقلاب در برخی دولت‌های منطقه‌ای تقویت کرد و باعث شد اسرائیل خود را برای این تغییرات آماده کرده و از آمریکا و دولت‌های غربی بخواهد تنها در صورت عدم آسیب ندیدن امنیت رژیم صهیونیستی، این رژیم‌های جدید را به رسمیت بشناسد. این موضوع را یوئل گوژانسکی کارشناس مسائل استراتژیک اسرائیل مطرح کرد.

در عین حال تماس‌های امنیتی فشرده‌ای بین اسرائیل و آمریکا در رابطه با تحولات کشورهای عربی برقرار شد. وزارت خارجه اسرائیل تعدادی از دیپلمات‌های خود را به برخی پایتخت‌های عربی فرستاده و این دیپلمات‌ها مجموعه‌ای از نشست‌های فوری را با مسئولان این کشورها برگزار کردند. اسرائیلی‌ها ابراز امیدواری می‌کردند که سناریوهای خوش‌بینانه در رابطه با تحولات پایتخت‌های عربی به وقوع بپیوندد و گزینه‌های بدبینانه در آنها ایجاد نشود. آنها نمی‌خواستند جریان‌های اسلام‌گرا حاکمیت این کشورها را بدست بگیرند، چرا که ممکن بود خسارت‌های زیادی را به رژیم صهیونیستی وارد کنند. (خبرگزاری تسنیم ۱۳۹۵، کد خبر 1208625)

۶-۴. بحران مشروعیت رژیم صهیونیستی در پی گسترش مدنیت در کشورهای غربی

در سال‌های اخیر هم‌زمان با گسترش مدنیت در کشورهای غربی مشروعیت رژیم صهیونیستی نیز رو به کاهش است. افزایش فاصله اسرائیل با سایر دولت‌های موجود، اقداماتی مانند اعمال خشونت علیه مردم فلسطین و لبنان، افزایش فشار، تنگ‌تر کردن محاصره غزه، عمیق‌تر شدن خصلت نژادپرستانه و آپارتایدی این رژیم در کرانه باختری و تهدید به کاهش حقوق عرب‌های ساکن در سرزمین‌های اشغالی باعث ایجاد سبک جدیدی از مخالفت با سیاست‌های این رژیم شده است...

بخش‌های مختلفی از مردم اروپا، کانادا و ایالات متحده از هم‌دستی دولت‌های خود در جنایات اسرائیل عصبانی هستند و خواستار بایکوت، قطع کمک‌ها و تحریم این رژیم هستند. علاوه بر این علی‌رغم مخالفت شدید موسسات یهودی این حرکت اعتراضی در بین دانشگاهیان،

دانش آموزان، اتحادیه های تجاری، گروه های مذهبی و مخالفان سازمان های یهودی و فعالان حقوق بشر گسترش یافته است به گونه ای که برخی از این ها کاروان هایی را بر روی دریا و خشکی به منظور شکستن محاصره غزه سازماندهی کرده اند.

۴-۷. رژیم صهیونیستی تهدیدی برای خاورمیانه جهان و حتی یهودیان

به موازات وسیع تر شدن ناکامی های پروژه استعماری اسرائیل، عصبانیت رهبران این رژیم افزایش یافته است و با روش های خطرناک تر و پیشرفته تر نظامی به دنبال حفظ امنیت و موجودیت این رژیم هستند علاوه بر این رژیم صهیونیستی به یک تهدید دشوار برای خاورمیانه، جهان و حتی برای یهودیان در هر جایی از دنیا تبدیل شده است. صهیونیسم عمدتاً بر یهودیت سکولار استوار شده است ولی برای کسب موفقیت، افسانه ها و داستان های جدید مذهبی در مورد تجدید حیات یهودیت خلق کرده است. گرایش های منجی گرایانه را در بین مسیحیان غربی برجسته کرده است و این افسانه را که اسرائیل به تنهایی از غرب در برابر اسلام نوظهور و اسلام گرایان محافظت می کند، ساخته و پرداخته است. ولی این بار بازگرداندن گول به چراغ کار ساده ای نخواهد بود.

شاید بیشترین مجال برای باز کردن پروژه استعماری صهیونیست برای خود یهودی ها فراهم باشد. رژیم صهیونیستی سرانجام مجبور خواهد شد جنبه آپارتایدی خود را نادیده بگیرد. فقط زمانی که یهودیان آزادی خواه در سراسر جهان متقاعد شوند، صهیونیسم زندگی و حیات یهودیان را به خطر انداخته است، در این صورت ممکن است برای فائق آمدن بر قدرت لابی صهیونیست یهودی که هدایت جوامع غربی را برعهده دارد، اقدام کنند.

در غیر این صورت و تن ندادن به واقعیت های فوق جایگزین برنامه حذف صهیونیسم، جنگی ویران گر در خاورمیانه خواهد بود که حتی ممکن است محدود به منطقه نشود، در هر صورت هر اتفاقی بیفتد بعید است در چنین جنگی، منافع آمریکا و رژیم صهیونیستی در خاورمیانه برجای خود باقی بماند. (<http://zionism.pchi.ir>)

۴-۸. توافقات اردنی رژیم صهیونیستی در مورد مسجد الاقصی

در پی بروز حوادث اخیر در کرانه باختری، وزیر خارجه آمریکا به سرعت تحرکات دیپلماتیک خود را آغاز کرد. وی در امان با مقامات اردنی و رئیس تشکیلات خودگردان دیدار کرد و پس از آن به دیدار بنیامین نتانیاهو رفت. انجام این ملاقات ها با خود انجام برخی توافقات در مورد مسجد الاقصی را به دنبال داشت. از جمله این توافقات، می توان به حفظ وضعیت موجود در مسجد الاقصی اشاره کرد یعنی اینکه مسلمانان نمازها و مراسم های دینی خود را در حرم قدسی انجام می دهند و غیر مسلمانان تنها اجازه دیدن کردن از این مکان را دارند. ضمناً برخی دوربین ها جهت نظارت بر اوضاع در مسجد الاقصی نصب می گردد. رژیم صهیونیستی نیز به

نقش اردن در خصوص نظارت بر مسجد الاقصی - البته بر اساس مفاد معاهده صلح به امضا رسیده میان طرفین - احترام می گذارد.

با وجود آنکه توافقات فوق الذکر، باعث تقویت سیطره اشغالگران بر مسجد الاقصی می گردد؛ ولی به هر حال، کاهش محدودیت های اعمال شده در مورد مسجد الاقصی و نیز جلوگیری از ورود شهرک نشینان به حرم قدسی شاید تاثیر خود را بر روند و فرآیند انتفاضه بگذارد. (قدسی ۱۳۹۰، ۳۷)

۵. ارزیابی تهدیدها

۵-۱. عملیات حیفا و پاکسازی نخبگان فلسطینی

امروز ۲۲ آوریل روزی است که صهیونیست ها با همکاری آشکار قوای متجاوز انگلیس بندر حیفا بزرگترین بندر فلسطین را به صورت کامل از ساکنان فلسطینی آن پاکسازی کردند. شرح این عملیات در کتاب پاکسازی نژادی فلسطین به شرح زیر آورده شده است:

عملیات حیفا توسط گروه مشاور مورد تایید و استقبال قرار گرفت. اعراب اولیه ساکنان شهرهای عرب نشین در دسامبر ۱۹۴۷ بسیاری از نخبگان فلسطینی را ترغیب به ترک شهرها و رفتن به اقامتگاه های خود در لبنان و مصر کرده بودند تا زمانی که دوباره آرامش به شهرهایشان بازگردد. البته تخمین تعداد جمعیت آنها کار مشکلی بود ولی بیش تر تاریخ نگاران جمعیت آنها را نزدیک به ۱۵ تا ۲۰ هزار نفر عنوان کرده اند.

در تاریخ ۱۲ ژانویه ۱۹۴۸ یک رهبر داخلی فلسطین به نام «فرید سعد» که رئیس بانک عربی حیفا و عضو کمیته ملی داخلی بود با ناامیدی طی تلگرافی به دکتر حسین خالدی دبیر کمیته ارشد عرب اعلام کرد خوب است که یهودیان حقیقت را نمی دانند. حقیقت این بود که نخبگان شهری یک ماه پس از خشونت و حمله نظامی یهودیان شهر را رها کرده بودند با این حال یهودیان از روند وقایع آگاه بودند و واحد مشاوره به خوبی آگاه بود که ثروتمندان عرب در ماه دسامبر شهر را ترک کرده اند و اعراب سلاح زیادی در اختیار ندارند از طرفی حکومت های عرب نیز در رابطه با جنگ شفاف سازی چندانی نکرده بودند تا به این وسیله کوتاهی و عدم تمایل خود به مداخله نظامی را پنهان کنند.

مهاجرت ثروتمندان به این معنا بود که در ماه آوریل ۱۹۴۸ ۵۵ تا ۶۰ هزار فلسطینی در حیفا بدون رهبر بودند و تنها تعداد نسبتا اندکی از نیروهای مسلح داوطلب عرب در شهر وجود داشتند که می بایست مورد لطف و مرحمت نیروهای یهودی قرار می گرفتند. این در حالی بود که سربازان بریتانیایی ظاهرا به عنوان مسئول برقراری امنیت و آرامش داخلی، در شهر حضور داشتند. (پاپه ۱۳۹۵، ۱۶۹)

۲-۵. احتمال همکاری تشکیلات خودگردان با رژیم صهیونیستی

خطرناک ترین تهدیدی که احتمالا انتفاضه در برابر خود دارد، آن است که دستگاه‌های امنیتی تشکیلات خودگردان به سرکوب تحرکات مردمی در مناطق مختلف کرانه باختری که تحت کنترلش می باشد، مبادرت ورزد و به توافقات امنیتی و سیاسی اش با رژیم صهیونیستی عمل کند. از سوی دیگر، دستگاه‌های امنیتی همچنان و تا این لحظه موضوع همکاری با اشغالگران صهیونیستی را در دستور کار دارند.

نکته شایان توجه آنکه بعد از عملیات ابتدای ماه اکتبر که در نزدیکی شهرک صهیونیست نشین ایتمار انجام گرفت و گفته می شد که مجری آن یک گروه منتسب به جنبش حماس بوده است، دستگاه‌های امنیتی یکی از افراد گروه مذکور را که در هنگام اجرای عملیات زخمی شده بود، مورد بازجویی قرار دادند و چند ساعتی از این بازجویی نگذشته بود که نیروهای اشغالگر صهیونیستی فرد آسیب دیده مذکور را به همراه دیگر افراد گروه بازداشت کردند که این موضوع باعث شد تا انگشتان اتهام به سمت دستگاه‌های امنیتی دراز شود. ضمنا ابومازن در تاریخ ۵ اکتبر دستوری را برای فرماندهان دستگاه‌های امنیتی صادر کرد و از آنها خواست تا جلوی هر گونه اقدامی (فعالیت‌های مبارزاتی) که فرصت را برای اجرای طرح‌های رژیم صهیونیستی جهت تشدید اوضاع و کشاندن فلسطینیان به سمت میدان خشونت را فراهم می آورد، بگیرند. ضمنا رهبران تشکیلات خودگردان در تماس با احزاب و گروه‌های فلسطینی در اراضی اشغالی ۴۸، خواستار برقراری آرامش شدند. (مرکز مطالعاتی و پژوهشی الزیتونه ۱۳۹۴، ۷)

۳-۵. اختلاف نخبگان فلسطینی در نظامی سازی یا حفظ بعد مسالمت آمیز انتفاضه

بحث‌هایی در میان نخبگان فلسطینی در مورد شکل انتفاضه در جریان است، اینکه انتفاضه شکلی نظامی به خود بگیرد یا ساختاری مسالمت آمیز داشته باشد؟ سوالی که در اینجا پیش می آید در مورد مرزهای میان نظامی بودن انتفاضه و مسالمت آمیز بودن آن است. آیا پرتاب سنگ و کوکتل مولوتوف، نظامی سازی انتفاضه است؟ آیا استفاده از سلاح سرد، نظامی سازی انتفاضه است؟ این رهبران فعال انتفاضه هستند که می توانند در مورد توسعه انتفاضه و تعیین شکل آن تصمیم بگیرند، تصمیمی که در راستای خدمت به تداوم روند این خیزش مردمی و عملی کردن اهداف آن باشند. حل نشدن این اختلاف و عدم یکدستی میان نخبگان فلسطینی تهدیدی جدی در مبارزات شهروندان فلسطینی تلقی می شود. (مرکز مطالعاتی و پژوهشی الزیتونه ۱۳۹۴، ۸)

۴-۵. مصوبات ۵ اکتبر رژیم صهیونیستی

کابینه امنیتی رژیم صهیونیستی مصوباتی را در ۵ اکتبر سال ۲۰۰۵ صادر کرد تا به نوعی، شرایط را به سمت تداوم درگیری سوق دهد. کابینه این رژیم به پلیس اجازه داد تا قانون منع آمد

و شد را اعمال نماید. از جمله مصوبات کابینه صهیونیستی می‌توان به تخریب خانه‌های مجریان عملیات، مصادره املاک و مستغلات آنها و لغو تابعیت «اسرائیلی» شان اشاره کرد. مقامات صهیونیستی همچنین شهرک نشینان را تشویق کردند تا سلاح به همراه داشته باشند.

روزنامه صهیونیستی «هاآرتص» به نقل از یکی از مسئولان وزارت امنیت داخلی رژیم اشغالگر قدس اعلام کرد که در طول دو هفته، شمار درخواست‌ها برای صدور مجوز حمل سلاح از ۱۵۰ درخواست در روز به هشت هزار مورد رسید به ویژه بعد از آنکه «گلعاد اردان»، وزیر امنیت داخلی این رژیم مصوبه‌ای را صادر و طی آن، دستور کاهش محدودیت‌ها برای دست‌یابی به مجوز حمل سلاح را صادر نمود. از این رو، باید گفت که برخورد افراط‌گرایانه و تندروی‌های اشغالگران در برخورد با شرایط موجود، باعث برافروخته شدن آتش خشم ملت می‌شود و بر شدت انتفاضه تاثیر می‌گذارد. (مرکز اطلاع‌رسانی فلسطین ۱۳۹۴)

۵-۵. کمک‌های سالیانه نظامی و بخشودگی مالیاتی یهودیان از جانب آمریکا

اسرائیل به یک رژیم خودمختار و کاملاً مستقل تبدیل نشده و این کشور نمی‌تواند بدون کمک‌های سالیانه نظامی بلاعوض حدوداً سه میلیارد دلاری، که از سوی ایالات متحده آمریکا و قانون بخشودگی مالیاتی یهودیان آمریکا دریافت می‌کند آرایش نظامی خود را حفظ کند. از این مهم‌تر بدون حق وتوی آمریکا در سازمان ملل این رژیم نمی‌توانست به اشغال کرانه باختری، بلندی‌های جولان، محاصره غزه، برخورداری از حق تقدم در جنگ علیه همسایه‌گان خود و سیاست ترور علیه اعراب ادامه دهد.

به‌طور خلاصه اسرائیل بدون مصونیت متکی به حمایت آمریکا، رژیمی منفور محسوب می‌گردد اما از آنجایی که وابستگی اسرائیل به آمریکا اصولاً از طریق لابی‌ها صهیونیستی موجود در ایالات متحده است، احتمالاً موقعیت این رژیم به خطر نمی‌افتد. (پایه ۱۳۹۵، ۱۸۱)

۶-۵. درگیری‌های فلسطینی - فلسطینی

این احتمال وجود دارد که صهیونیست‌ها برخی امتیازهای حاشیه‌ای همچون آزادی برخی اسرا را به تشکیلات خودگردان بدهد و چک اجازه گسترش حاکمیت امنیتی در مناطق تماس مستقیم فلسطینیان با صهیونیست‌ها را در وجه نهاد مذکور صادر نماید تا به این ترتیب، درگیری‌ها فلسطینی - فلسطینی شود. اشاره به این نکته در اینجا ضروری است که امکان تحقق این سناریو بدون همکاری دستگاه‌های امنیتی تشکیلات خودگردان در کرانه باختری کم است و چیزی که باعث تقویت این گزینه می‌گردد، احیای دوباره و اورژانسی مذاکرات فلسطینی صهیونیستی است. (قدسی ۱۳۹۰، ۳۴)

۷-۵. تبدیل انتفاضه به یک خیزش ملی با محدودیت زمانی و دامنه گسترش اندک
این تهدید وقتی روی می دهد که گروه های مقاومت در هدایت مسیر انتفاضه و گسترش آن ناکام بمانند تا به این ترتیب، انتفاضه به یک خیزش ملی با محدودیت زمانی و دامنه گسترشی اندک مبدل گردد. سناریوی دوم وقتی تحقق می یابد که انتفاضه فاقد یک راهبرد روشن و یک رهبری آگاه باشد، رهبری که حمایت از انتفاضه را عهده دار گردد و پشتیبانی جهان عرب و اسلام را برایش تامین نماید. از این رو، حرکت مردم در مسیر تعامل با انتفاضه، دچار صعود و هبوط خواهد بود. (قدسی ۱۳۹۰، ۳۴)

۸-۵. سرگردانی ناشی از بالا رفتن حجم و تنوع حملات به دشمن صهیونیستی
چیزی که باعث نگرانی از این تهدید می شود بالا رفتن حجم و تنوع حملات به دشمن است. برای خروج از این تهدید باید گروه های فلسطینی به این درک برسند که انتفاضه بهترین راه برای خروج از بن بست موجود است. چالش بزرگی که در مسیر این تهدید وجود دارد، توان گسترش دامنه درگیری ها و مبارزات با دشمن است به گونه ای که تمام مناطق کرانه باختری را در بر می گیرد. ضمناً دستگاه های امنیتی تشکیلات خودگردان نباید هیچ اقدامی در زمینه سرکوب انتفاضه پیش ببرند و (خواسته یا ناخواسته) در درگیری میان فلسطینیان و نیروهای اشغالگر جانب بی طرفی را بگیرند. (قدسی ۱۳۹۰، ۳۵)

۹-۵. تحول در بازیگران منطقه خاورمیانه
در جغرافیای سیاسی نوپدید خاورمیانه، توجه به ریشه های مناقشات از اهمیت به سزایی برخوردار است. در یک طبقه بندی، ریشه تحولات این منطقه را می توان حول سه محور اساسی مورد دقت قرار داد:

- حضور نامشروع رژیم صهیونیستی در قلب جهان اسلام از نیم قرن اخیر؛
- وقوع انقلاب اسلامی در ایران؛
- حادثه یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ و اقدامات نظامی آمریکا در برخی کشورهای خاورمیانه به

این بهانه

از این رو، می توان بازیگران عمده تحولات خاورمیانه را ایالات متحده آمریکا، رژیم صهیونیستی و جمهوری اسلامی ایران فرض نمود. در این میان اما، کشورهای دیگری چون ترکیه و قطر به دلیل موقعیت ژئوپلیتیکی علاقه مند به نقش آفرینی و تبدیل شدن به بازیگر مؤثر منطقه ای هستند. ترکیه در صحنه ها و عرصه های تصمیم سازی در پی اثبات توانمندی خود برای ایفای این نقش است. (قدسی ۱۳۹۰، ۳۶)

۱۰-۵. اتحاد استراتژیک مصر و اسرائیل (در زمان حسنی مبارک)

رژیم مبارک نه تنها قرارداد صلح با رژیم اسرائیل را حفظ و تقویت کرد، بلکه همکاری‌های استراتژیک و امنیتی مهمی با این رژیم داشت، به گونه‌ای که آن را به عنوان بازیگری امنیت‌ساز برای این رژیم می‌شناختند. در واقع، سیاست‌های مصر در دوره مبارک باعث شد این کشور به عنوان متحد استراتژیک رژیم اسرائیل معرفی شود و به تأمین ثبات و امنیت این رژیم، کمک بسیاری کند. صلح با اسرائیل از سوی مصر به عنوان یک کشور مهم و تأثیرگذار عربی نه تنها باعث کاهش هزینه‌های نظامی و امنیتی رژیم اسرائیل شد بلکه باعث گردید دولت‌های عربی نیز به سوی عادی‌سازی روابط با این رژیم گام بردارند که نتیجه آن، افزایش امنیت سیاسی رژیم صهیونیستی بود. علاوه بر این، فروش گاز به اسرائیل، همکاری با اسرائیل در مقابل حماس و حمایت از محاصره غزه طی چند سال گذشته از جمله سیاست‌ها و اقدامات رژیم مبارک بود که برای رژیم صهیونیستی، اهمیت امنیتی بسیاری داشت. (Muhareb 2011, 6)

۱۱-۵. تحولات و ناآرامی‌های سوریه بازیگر کانونی در محور مقاومت

بر خلاف تحولات مصر که نگرانی‌های عمیقی برای اسرائیل ایجاد کرد، تحولات و ناآرامی‌های سوریه، تحولی مثبت برای این رژیم تلقی می‌شود. دولت سوریه طی سال‌ها و دهه‌های گذشته بر خلاف اغلب رژیم‌های محافظه‌کار عربی، سیاست مخالفت را در قبال اسرائیل اتخاذ کرده و بازیگری کانونی در محور مقاومت بوده است. حمایت سوریه از گروه‌های مقاومت حماس و حزب‌الله و چالش‌های ایجاد شده از سوی این گروه‌ها برای اسرائیل، باعث شده است مقام‌های اسرائیلی از هر گونه تحولی که به تضعیف حکومت اسد و کاهش نقش منطقه‌ای آن منجر می‌شود، خشنود شوند. (Friedman 2011, 27)

۱۲-۵. انتخاب قطر به عنوان مقرر رسمی حماس

منابع آگاه اعلام کردند شیخ حمد بن خلیفه آل ثانی، امیر وقت قطر که روابطی نزدیک با خالد مشعل دارد به او پیشنهاد کرد که میزبان او در قطر باشد. حماس تشخیص داد که بهترین مکان برای رئیس دفتر سیاسی اش، دوحه است. این انتخاب حماس به شدت محور مقاومت را تحریک کرد، زیرا قطر نوک پیکان جنگ با نظام سوریه محسوب می‌شد. (پایگاه خبری تحلیلی انتخاب ۱۳۹۳، کد خبر ۱۵۵۴۷۹)

۶. ارزیابی نقاط قوت

۱-۶. همگرایی مجدد ایران و حماس بعد از سقوط اخوان المسلمین

پس از آن تحولاتی در منطقه روی داد که موجب شد حماس از یک سو، و حزب‌الله و ایران از سوی دیگر، به بازسازی پل‌های ارتباطی خود بپردازند. سرنگون شدن متحد قدرتمند

حماس (اخوان المسلمین) در مصر و کنار کشیدن چشمگیر قطر از مداخله در مسائل منطقه ای و سرگرم شدن دولت اردوغان به مسائل داخلی موجب شد حماس خود را در شرایطی دشوار ببیند. در مقابل، ایران معتقد بود که نکات مشترک بین تهران و حماس بیشتر از نکات اختلاف است به ویژه آن که حماس تاثیرگذارترین گروهی است که می توان به آن تکیه کرد.

در سال ۹۶ هیئتی از حماس به ریاست محمد نصر راهی ایران شد و با قاسم سلیمانی فرمانده نیروی قدس دیدار کرد و درگذشت مادرش را به او تسلیت گفت. این دیدار در حکم شکسته شدن یخ در روابط بین دوطرف بود. همچنین حماس گام هایی مثبت در خصوص بحرآن سوریه برداشت. (خبرگزاری تسنیم ۱۳۹۶، کد خبر ۱۵۳۷۷۶۴)

۲-۶. استفاده ابزاری از محور اخوان المسلمین برای مقابله با محور اعتدال پس از اتحاد مجدد با ایران

حماس با حمله آمریکا به دمشق مخالفت کرد و انتقاد علنی از نظام سوریه را کاهش داد و نقشی محوری در سامان دادن به اوضاع در اردوگاه فلسطینی یرموک در جنوب دمشق ایفا کرد. بدون شک ، حماس به ایران نیاز دارد به ویژه آن که محور موسوم به «اعتدال عربی» دست به حمله شدیدی برضد محور اخوان المسلمین زده است. حماس نیز قدرتمندترین جنبش فلسطینی است و از حمایت زیادی در کشورهای عربی و اسلامی برخوردار است. همچنین روابط حماس با ایران به این کشور امکان می دهد نفوذ خود را در فلسطین گسترش دهد و از شدت تنش های مذهبی بین سنی ها و شیعیان بکاهد و روابط با محور اخوان المسلمین را برای مقابله با محور اعتدال ترمیم کند. (خبرگزاری تسنیم ۱۳۹۶، کد خبر ۱۵۳۷۷۶۴)

۳-۶. کسب قدرت سیاسی از حیث محبوبیت و ورود به عرصه آشتی ملی

حماس از حیث محبوبیت براساس نظر سنجی هایی که به آن اشاره شد، در جایگاه بالایی قرار دارد اما نتوانسته قدرت سیاسی را کامل در دست گیرد. ورود در عرصه آشتی ملی می تواند این شرایط را فراهم کند تا حماس بتواند قدرت سیاسی را در تمام عرصه فلسطین به دست گیرد. ضمن اینکه دستیابی به این قدرت می تواند حماس را از اعتبار بین المللی نیز برخوردار کند. آشتی ملی عرصه ای است که اگر حماس بتواند با موفقیت در آن به قدرت برسد از مشروعیت بین المللی نیز برخوردار شود و این انگیزه حماس را دو چندان می کند زیرا بزرگترین مانع بر سر راه حماس برای رسیدن به قدرت سیاسی همین عدم مشروعیت در عرصه بین الملل بوده است. (خبرگزاری تسنیم ۱۳۹۶، کد خبر ۱۵۳۷۷۶۴)

۴-۶. استفاده از ضعف داخلی جنبش فتح

در مقطع کنونی، جنبش فتح به دلیل وجود اختلافات داخلی و بحرانی که به دلیل

نامشخص بودن جانشین ابومازن به وجود آمده است در موضع ضعف قرار گرفته است. همواره در تمامی دوره‌هایی که نشست‌های آشتی ملی برگزار شده است، گروهی که در موضع قدرت قرار داشته به ادامه مذاکرات و به فرجام رسیدن آن اقبال بیشتری داشته است. اکنون حماس به دلیل ضعف جنبش فتح خود را در موضع قدرتمندتری نسبت به فتح احساس می‌کند و این موجب می‌شود انگیزه حماس از دوره‌های گذشته برای به فرجام رساندن آشتی ملی فلسطین بیشتر باشد. (خبرگزاری تسنیم ۱۳۹۶، کد خبر ۱۵۳۷۷۶۴)

۵-۶. منابع گازی سواحل غزه

منابع گازی سواحل غزه یکی از نقاط انگیزه ساز در این مرحله از گفت‌وگوهای آشتی ملی است. حماس نیز از انگیزه بالایی برای به دست آوردن این ذخایر برخوردار است زیرا این ذخایر را حق ملت فلسطین می‌داند که با آشتی ملی و ایجاد وحدت میان فلسطینیان می‌تواند این ذخایر را کسب کند و مانع به تاراج رفتن آن توسط بیگانگان شود. (خبرگزاری تسنیم ۱۳۹۶، کد خبر ۱۵۳۷۷۶۴)

۴-۶. بهره برداری از خالی شدن جایگاه حمایتی اخوان المسلمین نزد حماس

پس از آنکه محمد مرسی در مصر قدرت را از دست داد، اخوان المسلمین که مهمترین حامی فکری و معنوی حماس بود دیگر نتوانست حماس را پشتیبانی کند. علاوه بر اینکه حماس به دلیل انتساب به اخوان، با مشکلاتی چون اخراج از مصر نیز روبرو شد. حماس در سند سیاسی اخیر خود عملاً این موضوع را تأیید کرد زیرا نامی از اخوان المسلمین در سند خود به میان نیاورد. این فقدان اخوان المسلمین موجب شد حماس تکیه گاه قابل توجهی نداشته باشد.

حال حماس با ورود به آشتی ملی قصد دارد جایگاهی قانونی را در فلسطین کسب کند که دیگر نه تنها نیازی به تکیه گاهی چون اخوان نداشته باشد بلکه خود حماس تبدیل به قدرتی شود که تکیه گاه سایر گروه‌ها باشد. اگر آشتی ملی به فرجام برسد، حماس وارد سازمان آزادی بخش فلسطینی خواهد شد که نماینده رسمی تمام ملت فلسطین محسوب می‌شود. آنگاه با کسب قدرت در این فرآیند می‌تواند قدرت اصلی فلسطین را کسب کند. (خبرگزاری تسنیم ۱۳۹۶، کد خبر ۱۵۳۷۷۶۴)

۷-۶. گرایش‌های ضد اسراییلی، بخشی از گفتمان انقلابی در جهان عرب

رژیم اسراییل را می‌توان از بازیگرانی دانست که بسیار نگران بیداری اسلامی و تحولات جهان عرب است. بیداری اسلامی، خیزش‌های مردمی در جهان عرب و دگرگونی در نظام‌های سیاسی به ویژه در کشوری مانند مصر، در حال تغییر نظم منطقه‌ای و متحول کردن محیط امنیتی پیرامونی رژیم اسراییل است و نگرانی‌های امنیتی و سیاسی جدی برای این رژیم ایجاد کرده است. تأثیرگذاری تحولات جهان عرب بر رویکرد و اقدامات فلسطینی‌ها و حتی عرب‌های

درون اسرائیل که می‌تواند باعث شکل‌گیری انتفاضه جدیدی شود، بخش مهم دیگری از این نگرانی‌ها است. علاوه بر این، بی‌ثباتی و ناامنی منطقه‌ای به ویژه در مرزهای رژیم اسرائیل می‌تواند چالش‌های نوینی برای این کشور ایجاد کند. مسئله مهم دیگر، پیچیده‌تر شدن روابط اسرائیل و آمریکا در سطح منطقه و درباره مسائل منطقه‌ای است.

هرچند در ابتدای قیام‌های مردمی در منطقه، گرایش‌های ضد اسرائیلی کمتری مشاهده می‌شد، به تدریج، گرایش‌های ضد اسرائیلی مشخص‌تر شد. در میدان التحریر قاهره، معترضان تصویر مبارک را به عنوان عامل صهیونیست با ستاره داود بر پیشانی طراحی کردند و به نمایش گذاشتند و شعارهای ضد اسرائیلی سر دادند. مهم‌تر از آن، حمله به سفارت اسرائیل در قاهره و فرار سفیر اسرائیل بود که اهمیت زیادی در روند انقلاب مصر داشت. در امان (اردن) درخواست‌هایی برای تعلیق پیمان صلح با اسرائیل و تعطیلی سفارت اسرائیل ارائه شد و در یمن، تظاهرکنندگان، مطالبی را درباره همکاری عبدالله صالح با اسرائیل بیان کردند. در اردن نیز گرایش‌ها و اعتراضات ضد اسرائیلی مهمی بروز کرد که نشان دهنده بحران در کشوری بود که اسرائیل با آن توافق‌نامه صلح امضاء کرده بود.

در مجموع، در یک نگرش خوشبینانه هرچند بر این باور باشیم که مخالفت با اسرائیل در صدر دستورالعمل‌های گروه‌های انقلابی منطقه قرار ندارد، واضح است که گرایش‌های ضد اسرائیلی، بخشی از گفتمان انقلابی را در جهان عرب تشکیل می‌دهد. (Yaari 2011)

۶-۸. هم‌مرز بودن اردن با کرانه‌باختری و حضور جمعیت بسیار فلسطینی در این کشور

علاوه بر مصر و سوریه، تحولات در حوزه‌های دیگر جهان عرب مانند اردن و بحرین و حوزه فلسطین نیز برای رژیم صهیونیستی اهمیت و تأثیرات خاص خود را دارد. تحولات اردن به دلیل پیمان صلح بین دو طرف، همچنین هم‌مرز بودن اردن با کرانه‌باختری و حضور جمعیت بسیار فلسطینی در این کشور برای این رژیم اهمیت زیادی دارد. ناآرامی‌ها و اعتراضات درونی اردن، ابعاد مختلفی داشت که یکی از آنها نارضایتی مخالفان از صلح دولت این کشور با اسرائیل بود. این نوع اعتراضات باعث شد پادشاه اردن تلاش کند بیشتر، سیاستمداران ضد اسرائیلی را منصوب کند که این خود، روابط دو طرف را با ابهام‌هایی همراه کرد. (اسدی ۱۳۹۰، ۸) هرچند خیزش مردمی در اردن تداوم و تعمیق کمتری داشته است، هرگونه تحول دموکراتیکی که باعث به قدرت رسیدن فلسطینی‌ها در اردن شود می‌تواند نتایج نامناسبی برای امنیت اسرائیل در پی داشته باشد. بعد از اوج‌گیری اعتراضات ضد اسرائیلی و حمله به سفارت اسرائیل در مصر، گرایش‌ها و اعتراضات ضد اسرائیلی در اردن نیز بسیار افزایش یافت و این شرایط بر نگرانی مقام‌های اسرائیلی افزود به گونه‌ای که این رژیم سفیر و کارمندان سفارتخانه خود را در اردن از این کشور خارج کرد. مواضع گروه‌هایی مانند اخوان المسلمین اردن که جایگاه آنها در این کشور در حال

بهبود است نیز نشان دهنده بروز چالش‌های مهمی برای اسرائیل در اردن است. جمعیت اخوان المسلمین اردن از حکومت‌های مصر و اردن خواست به تأسی از موضع ترکیه و تصمیم این کشور به اخراج سفیر رژیم صهیونیستی، سفیر این رژیم را از امان و قاهره اخراج کنند. «همام سعید» ناظر عام جمعیت اخوان المسلمین اردن در سوم سپتامبر ۲۰۱۱ در سخنانی تصریح کرد هم‌اکنون دلایل زیادی برای لغو پیمان صلح اردن و اسرائیل وجود دارد. وی ادامه اهانت‌های اسرائیل به اردن را یکی از این دلایل دانست. (خبرگزاری تقریب ۱۳۹۰/۰۶/۱۳)

۷. ارزیابی نقاط ضعف

۷-۱. اظهارات علنی رهبران حماس در حمایت از درگیری‌ها سوریه

مسئله دیگری که موجب ناخرسندی محور ایران شد حملاتی لفظی بود که چند ماه بعد خالد مشعل از ترکیه بر ضد نظام سوریه به راه انداخت، به ویژه آن که ترکیه دومین حامی اخوان المسلمین - پس از قطر - و مخالف شدید نظام سوریه محسوب می‌شد. حماس به تدریج موضع خود را تندتر کرد و اسماعیل هنیه، نخست وزیر دولت حماس در غزه در سخنانی در الازهر حمایت خود را از انقلاب سوریه اعلام کرد. شیخ قرضاوی در غزه مانند یک قهرمان مورد استقبال قرار گرفت و مشعل در مراسمی بزرگ در غزه پرچم انقلابیون سوریه را بالا برد. در اواسط ژوئن ۲۰۱۳ میلادی حماس از حزب الله لبنان خواست نیروهایش را از سوریه خارج کند. (پایگاه خبری تحلیلی انتخاب ۱۳۹۳، کد خبر ۱۵۵۴۷۹)

۷-۲. حمایت مقطعی از مخالفان بشار اسد

دمشق و سپس تهران به این نتیجه رسیدند که حماس به اصل «اخوانی» خود بازگشته است که به دنبال گسترش نفوذ خود در کشورهای عربی و اسلامی و خالی کردن زیر پای محور حامی ایران و محور موسوم به اعتدال عربی است. اختلافات به اوج خود رسید و دمشق اعضای حماس را به شرکت در جنگ در کنار مخالفان خود متهم کرد. حماس بارها اتخاذ چنین تصمیمی را تکذیب و اعلام کرد جنگجویان وابسته به حماس که در سوریه می‌جنگند به شکل انفرادی عمل می‌کنند و حماس با آنان ارتباط سازمانی ندارد. (پایگاه خبری تحلیلی انتخاب ۱۳۹۳، کد خبر ۱۵۵۴۷۹)

۷-۳. خدشه دار شدن روابط ایران و حماس

بدون شک با حمایت‌های مقطعی حماس از مخالفین سوری و بازگشت به اصل اخوانی این جنبش، اعتماد بین ایران و حماس خدشه دار شده است و باید ساختار جدیدی برای شکل روابط آینده پایه ریزی شود. دو طرف همچنان نگرانی‌هایی دارند؛ محور ایران نگران است که حماس در شرایطی مشابه به این محور پشت کند. تهران به این باور رسیده است که حماس

ریشه در جنبش اخوان المسلمین دارد و این جنبش، متحد محور مقاومت در طرح مقابله با اشغالگری اسرائیل است و بخشی زیربنایی از این محور به شمار نمی‌رود. تهران این مسئله را درک کرده است، ولی از حماس می‌خواهد خود را از برنامه‌های اخوان المسلمین و کشمکش بین محورها دور نگه دارد. (پایگاه خبری خبر وان ۱۳۹۶، کد خبر ۱۱۴۴۰۷۳۳)

۴-۷. آوارگی رهبران حماس

پس از بحران قطر، حماس مجبور شد دفتر سیاسی خود را از قطر برچیند. یکسال قبل نیز ترکیه در راستای عادی سازی روابط با رژیم صهیونیستی دفتر این جنبش در کشورش را جمع کرد. حال مسئولان خارجی حماس که رأس قدرت سیاسی این جنبش محسوب می‌شوند جایی برای حضور آزاد سیاسی ندارند و این به معنای آوارگی این مسئولان است. (پایگاه خبری خبر وان ۱۳۹۶، کد خبر ۱۱۴۴۰۷۳۳)

۵-۷. مشکل معیشتی نوار غزه

پس از جنگ‌هایی که تا کنون بر حماس و نوار غزه تحمیل شده است و به دلیل محاصره کامل نوار غزه، این منطقه همواره تحت شدیدترین فشارها قرار داشته است. این مشکلات پس از سال ۲۰۱۴ به یک بحران همه جانبه تبدیل شده است و نوار غزه را از حیث شرایط زندگی در جایگاه بسیار نازل قرار داده است. حل این مشکل معیشتی که قطعاً بر مقاومت تأثیر خواهد گذاشت یکی از انگیزه‌های اصلی جنبش حماس برای ورود به آشتی ملی است. حماس می‌خواهد با حل این مشکل همانگونه که در عرصه مبارزه به قهرمان ملت فلسطین تبدیل شده است در عرصه معیشتی نیز یک قهرمان برای مردم فلسطین باشد. (پایگاه خبری خبر وان ۱۳۹۶، کد خبر ۱۱۴۴۰۷۳۳)

۶-۷. حیات جریان‌های فکری شاخه سلفی در حماس

شاید بتوان گفت در حماس کسانی وجود دارند که بتوان از لحاظ دینی آنها را معتدل خواند. ولی ما باید در این جا میان دو سطح سیاسی و دینی تمایز قائل شویم. در سطح سیاسی مواضع جنبش حماس تقریباً یک‌دست است. در داخل جنبش حماس هیچ گونه اختلاف سیاسی وجود ندارد مگر در مسائل داخلی فلسطین مثل موضوع آشتی ملی با جنبش فتح. اما در سطح دینی شکی نیست که در جنبش حماس بخشی از رهبران هستند که به اندیشه سلفی گرایش دارند و جناح‌هایی هم گرایش فکری معتدلی دارند. (<http://irdiplomacy.ir>)

۷-۷. اختلاف بر سر پرونده آشتی ملی با جنبش فتح

اختلاف‌هایی میان رهبران جریان در داخل جریان در غزه با خارج از آن وجود دارد ولی این اختلاف‌ها به هیچ وجه به دلیل موضع‌گیری درباره سوریه یا چگونگی رابطه با جمهوری اسلامی ایران نیست. اختلافاتی که وجود دارد بر سر پرونده آشتی ملی با جنبش فتح است.

جناحی که در داخل فلسطین در نوار غزه حضور دارد بر عدم عقب نشینی از مواضع و دست یابی به آشتی ملی تاکید دارد. در حالی که جریانی که در خارج است و نماینده آن آقای خالد مشعل است تمایل به آشتی ملی و پایان دادن به این پرونده دارد.

جدول ۱: ضریب محاسبه استراتژی

استراتژی سوم		استراتژی دوم		استراتژی اول		جمع نمره جذابیت	عوامل اصلی تعیین کننده و جمع نمره جذابیت
جمع نمره جذابیت	نمره جذابیت	جمع نمره جذابیت	نمره جذابیت	جمع نمره جذابیت	جمع نمره جذابیت		
نقاط قوت							
۲۴.۸۷	۳	۲۴.۸۷	۳	۸.۲۹	۱	۸.۲۹	همگرایی مجدد ایران و حماس بعد از سقوط اخوان المسلمین
۱۳.۴۲	۲	۲۰.۱۳	۳	۱۳.۴۲	۲	۶.۷۱	استفاده ابزاری از محور اخوان المسلمین برای مقابله با محور اعتدال پس از اتحاد مجدد با ایران
۲۵.۲۹	۳	۱۶.۸۶	۲	۱۶.۸۶	۲	۸.۴۳	کسب قدرت سیاسی از حیث محبوبیت و ورود به عرصه آشتی ملی

۲۵.۷۲	۴	۱۹.۲۹	۳	۱۹.۲۹	۳	۶.۴۳	استفاده از ضعف داخلی جنبش فتح
۱۱.۷۲	۲	۲۳.۴۴	۴	۱۱.۷۲	۲	۵.۸۶	منابع گازی سواحل غزه
۹.۴۲	۲	۹.۴۲	۲	۱۸.۸۴	۴	۴.۷۱	بهره برداری از خالی شدن جایگاه حمایتی اخوان المسلمین نزد حماس
۶.۹	۳	۴.۶	۲	۲.۳	۱	۲.۳	گرایش های ضد اسرائیلی، بخشی از گفتمان انقلابی در جهان عرب
۹.۱۲	۴	۶.۸۴	۳	۴.۵۶	۲	۲.۲۸	هم‌مرز بودن اردن با کرانه باختری و حضور جمعیت بسیار فلسطینی در این کشور
نقاط ضعف							
۲۰.۵۸	۳	۱۳.۷۲	۲	۲۰.۵۸	۳	۶.۸۶	اظهارات علنی رهبران حماس در حمایت از درگیری ها سوریه
۸.۳	۱	۳۳.۲	۴	۲۴.۹	۳	۸.۳	حمایت مقطعی از مخالفان بشار اسد
۱۳.۶	۲	۶.۸	۱	۱۳.۶	۲	۶.۳	خدشه دار شدن روابط ایران و حماس

۳۴.۸	۳	۲۳.۲	۲	۳۴.۸	۳	۱۱.۶	آوارگی رهبران حماس
۲۹.۷۲	۴	۱۴.۸۶	۲	۲۹.۷۲	۴	۷.۴۳	مشکل معیشتی نوار غزه
۱۶	۲	۲۴	۳	۱۶	۲	۸	حیات جریان های فکری شاخه سلفی در حماس
۱۸	۳	۲۴	۴	۶	۱	۶	اختلاف بر سر پرونده آنتی ملی با جنبش فتح
فرصت‌ها							
۱۵.۲	۲	۷.۶	۱	۱۵.۲	۲	۷.۶	شکست راهبردهای آمریکا در منطقه و گسترش تنفر مردم از آمریکا و غرب
۲۱.۴۵	۳	۲۱.۴۵	۳	۲۱.۴۵	۳	۷.۱۵	بحران مالی آمریکا و جهان غرب
۱۴.۵۸	۲	۱۴.۵۸	۲	۷.۲۹	۱	۷.۲۹	شکل‌گیری جنبش اعتراضی وال-استریت در شهرهای آمریکا

۱۳.۰۸	۳	۸.۷۲	۲	۸.۷۲	۲	۴.۳۶	افزایش خود آگاهی و بیداری ملت‌ها در سراسر جهان به ویژه در کشورهای اسلامی
۱۸.۸	۴	۱۴.۱	۳	۱۴.۱	۳	۴.۷	ایجاد ارزش‌های جدید ایدئولوژیک و فرهنگی در جهان غرب
۹.۲	۲	۹.۲	۲	۱۸.۴	۴	۴.۶	تغییر ساختار داخلی اسرائیل
۴.۲	۲	۸.۴	۴	۴.۲	۲	۲.۱	بحران مشروعیت رژیم صهیونیستی در پی گسترش مدنیت در کشورهای غربی
۹.۶	۳	۳.۲	۱	۹.۶	۳	۳.۲	توافقات اردنی رژیم صهیونیستی در مورد مسجد الاقصی
تهدیدات							
۲۴	۳	۲۴	۳	۲۴	۳	۸	عملیات حیفا و پاکسازی نخبگان فلسطینی

۱۳.۲۲	۲	۱۳.۲۲	۲	۱۳.۲۲	۲	۶.۶۱	احتمال همکاری تشکیلات خودگردان با رژیم صهیونیستی
۱۶.۴	۲	۳۲.۸	۴	۲۴.۶	۳	۸.۲	اختلاف نخبگان فلسطینی در نظامی سازی یا حفظ بعد مسالمت آمیز انتفاضه
۳۰	۳	۲۰	۲	۴۰	۴	۱۰	مصوبات ۵ اکتبر رژیم صهیونیستی
۱۳.۳۸	۲	۲۰.۰۷	۳	۱۳.۳۸	۲	۶.۶۹	کمک های سالیانه نظامی و بخشودگی مالیاتی یهودیان از جانب آمریکا
۲۸.۸	۴	۲۸.۸	۴	۲۱.۶	۳	۷.۲	درگیری های فلسطینی - فلسطینی
۶.۴	۲	۶.۴	۲	۹.۶	۳	۳.۲	تبدیل انتفاضه به یک خیزش ملی با محدودیت زمانی و دامنه گسترش اندک

۲.۶	۲	۵.۲	۳	۷.۸	۴	۱۰.۴	سرگردانی ناشی از بالا رفتن حجم و تنوع حملات به دشمن صهیونیستی
۱.۴	۴	۵.۶	۲	۲.۸	۲	۲.۸	تحول در بازیگران منطقه خاورمیانه
۲.۱	۲	۴.۲	۳	۶.۳	۳	۶.۳	اتحاد استراتژیک مصر و اسرائیل (در زمان حسنی مبارک)
۱.۱	۳	۳.۳	۴	۴.۴	۴	۴.۴	تحولات و ناآرامی های سوریه بازگیری کانونی در محور مقاومت
۱.۹	۳	۵.۷	۳	۵.۷	۲	۳.۸	انتخاب قطر به عنوان مقر رسمی حماس
۱۰۰		۵۱۰.۲۴		۵۲۴.۷۷		۵۳۳.۴۷	جمع مجموع نمرات جذابیت

پیشنهادهات

به طور کل، نمی توان هیچ کدام از سناریوها را بر دیگری ترجیح داد؛ زیرا تا این لحظه، هر کدام از شانسی برابر برای تحقق برخوردار هستند؛ ولی قدرتی که انتفاضه در زمینه پایداری، تداوم و گسترش دارد، احتمال وقوع سناریوی سوم را افزایش می دهد.

پیشنهاد: با این حال، در میان محافل و مقام های اسرائیلی درباره ابعاد و نتایج ناآرامی های

کنونی در سوریه، اشتراک نظر کاملی وجود ندارد و بر چالش‌ها و فرصت‌های این تحولات برای اسرائیل همزمان تأکید می‌شود.

برخی در اسرائیل بر این باورند که تغییر در سوریه با تضعیف دشمنان مهم این رژیم مانند حماس و حزب‌الله همراه خواهد بود که این مسئله در جهت منافع امنیتی این رژیم است. اما در مقابل، گروهی دیگر معتقدند تغییر رژیم اسد و بی‌ثباتی در این کشور با تقویت بی‌نظمی و به قدرت رسیدن اسلام‌گرایان افراطی همراه خواهد بود و باعث شکل‌گیری تهدیدهای جدی‌تری برای اسرائیل می‌شود. با این حال، یک نتیجه‌گیری و باور کلی نیز در اسرائیل وجود دارد که به دلیل مشغول بودن سوریه به امور و چالش‌های داخلی خود برای ماه‌ها و حتی سال‌های آینده، ثبات اسرائیل کماکان تداوم خواهد داشت. (Friedman 2011, 57)

با وجود چالش‌ها و نگرانی‌های مهمی که اسرائیل از تحولات جهان عرب دارد، این تحولات می‌تواند فرصتهایی نیز برای اسرائیل فراهم کند. این فرصت‌ها که برخی بر آن تأکید می‌کنند از یک سو به بروز چالش‌هایی برای محور مقاومت در سطح منطقه به ویژه در تحولات سوریه و از سوی دیگر به احتمال پذیرش منطقه‌ای اسرائیل در بلندمدت مربوط می‌شود. به باور برخی نیز رادیکال‌تر شدن رویکرد کشورهای عربی حاشیه جنوبی خلیج فارس در مقابل جمهوری اسلامی ایران در نتیجه تحولات منطقه، یکی دیگر از فرصت‌های رژیم اسرائیل به شمار می‌رود. با این حال نمی‌توان به فرصت‌ها و چالش‌های اسرائیل در نتیجه تحولات جهان عرب به گونه‌ای یکپارچه پرداخت، بلکه این تحولات فارغ از برخی تأثیرات فراگیر و کلی در هر یک از حوزه‌ها، ویژگی‌ها و پیامدهای خاص خود را دارد و مستلزم بررسی جداگانه هر یک از حوزه‌هاست. (اسدی ۱۳۹۰، ۸)

بر اساس مبانی ذکر شده، روابط جدیدی بین حماس و ایران شکل خواهد گرفت. چالش‌های جدیدی که تغییرات منطقه‌ای در ماه‌های گذشته ایجاد کرد نشان می‌دهد که توافقی ضمنی بین محور اخوان المسلمین و محور ایران برای دور نگه داشتن حماس از آتش این کشمکش صورت گرفته است. شاید این تحولات همچنین موجب نزدیک شدن محور اخوان المسلمین و محور ایران با وجود اختلافات گسترده بین آنها بر سر بحران سوریه شود. آیا حماس در این زمینه راهگشا خواهد بود؟ آشتی ملی جایگاهی است که با موفقیت در آن حماس می‌تواند رهبران خود را سامان دهد و مکانی امن و آزاد برای آنها ایجاد کند. امری که برای حماس حیاتی محسوب می‌شود.

اما تکثر ایدئولوژیک که در درون جنبش حماس وجود دارد به هیچ وجه نمی‌تواند زمینه اختلاف و چنددستگی در درون حماس باشد. به این ترتیب اختلافات در درون حماس فقط اختلافاتی سیاسی بر سر موضوعات فلسطینی است و نه پیامد تفاوت‌های دینی و ایدئولوژیک. اختلاف میان رهبران داخلی با رهبران خارجی حماس در درجه نخست بر سر این موضوع

است و در درجه بعدی بر سر رقابت حزبی یا رقابت شخصی میان آنهاست. بنابر این به هیچ وجه رقابتی یا اختلافی بر سر دیدگاه حماس در قبال بهار عربی وجود ندارد.

باید یک سیستم فرماندهی میدانی تشکیل شود که تمامی طیف های ملت فلسطین از جمله افراد مستقل و گروه های وابسته به جوانان را در خود جای دهد.

- باید یک برنامه سیاسی ترسیم گردد که در آن، اهداف و مطالبات آنی فلسطینیان همچون جلوگیری از ورود شهرک نشینان به مسجد الاقصی، توقف روند شهرک سازی، پایان روند احداث ایست های بازرسی در کرانه باختری، تشدید تلاش ها برای پایان دادن به محاصره نوار غزه، آزادی اسرا و نهادینه کردن یک پروژه آزادیبخش پایدار لحاظ گردد.

- باید منافع تنگ نظرانه حزبی را کنار گذاشت و برای حمایت از انتفاضه، جلوگیری از مصادره آن و نیز ممانعت از سوار شدن افراد بر امواج این خیزش مردمی برای بازگشت دوباره به میز مذاکرات وارد عمل شد.

- باید در جهت جلب حمایت ملی و دولتی جهان عرب و اسلام از انتفاضه کوشید.

- فعال سازی بخش جلب حمایت های مردمی خارجی چه در عرصه جمع آوری کمک ها و چه در عرصه برگزاری راهپیمایی ها و فعالیت های مختلف در کشورهای عربی، اسلامی و غربی

فهرست منابع

۱. اسدی، علی اکبر، (۱۳۹۰)، بیداری اسلامی در جهان عرب و امنیت رژیم صهیونیستی.
۲. المسیری، عبدالوهاب، (۱۳۷۹)، بحث امنیتی اسرائیل: مبانی نظری و ملاحظات عملی. ترجمه اصغر افتخاری. مطالعات منطقه‌ای. جلد پنجم.
۳. بیانات مقام معظم رهبری (۲۲/۰۷/۱۳۹۲) پیام به کنگره عظیم حج.
۴. بیانات مقام معظم رهبری (۱۵/۱۲/۱۳۹۲) در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری.
۵. بیانات مقام معظم رهبر، (۱۴/۰۳/۱۳۹۳) در مراسم بیست و پنجمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله).
۶. پایه، ایلان (۱۳۹۵) پاکسازی نژادی در فلسطین، ترجمه: آزاده کشور دوست، ناشر شرکت اندیشه و رزان آریا.
۷. پایگاه خبری تحلیلی انتخاب، (۱۳۹۳)، کد خبر ۱۵۵۴۷۹.
۸. پایگاه خبری خبر وان، (۱۳۹۶)، کد خبر ۱۱۴۴۰۷۳۳.
۹. خبرگزاری تسنیم، (۱۳۹۰)، نگاهی به زمینه‌های رواج عرفان‌های نوظهور، کد خبر 30394969
۱۰. خبرگزاری تسنیم، (۱۳۹۵)، فرصت‌ها و چالش‌های انقلاب‌های عربی برای رژیم صهیونیستی، کد خبر 1208625
۱۱. خبرگزاری تسنیم، (۱۳۹۶)، کد خبر ۱۳۳۷۷۶۴.
۱۲. خبرگزاری تقریب، (۱۳۹۰)، جمعیت اخوان المسلمین اردن خواستار اخراج سفیر اسرائیل شد، ۱۳۹۰/۶/۱۳
۱۳. علیخانی، علی اکبر، (۱۳۸۰)، فلسطین، اسرائیل و انتفاضه: نزاع بر سر هویت. فصلنامه مطالعات منطقه‌ای. جلد هفتم.
۱۴. فصلنامه مطالعات دفاعی و امنیتی، (۱۳۸۲)، شماره ۳۶.

۱۵. فینکل اشتاین، نورمن، (۱۳۷۸)، تضمین اشغال واقعی، موافقتنامه وای ریور. فصلنامه مطالعات فلسطین. ترجمه گروه سیاسی. شماره یک.
۱۶. قدسی، امیر، (۱۳۹۰)، تحولات ژئوپلیتیک خاورمیانه و تقابل استراتژی ها، دو فصلنامه مطالعات بیداری اسلامی.
۱۷. محمودی، مهدی (۱۳۹۲)، جنبش اشغال وال استریت چه بود؟ چه شد؟ و چشم انداز آن چیست؟، خبرگزاری فارس، ۱۳۹۲/۰۶/۲۷.
۱۸. مرکز اطلاع رسانی فلسطین، (۱۳۹۴)، آینده انتفاضه چه خواهد شد.
۱۹. مرکز مطالعاتی و پژوهشی الزیتونه، (۱۳۹۴)، آینده انتفاضه قدس.
۲۰. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الإسلامیه.
۲۱. نداءالقدس، (۱۳۷۷) سال دوم. شماره یک. شماره مسلسل ۳۱.
۲۲. هشیش، عبدالوهاب، (۱۳۷۴)، تعیین سرنوشت فلسطینیان میان حق و زور. ترجمه عباس آگاهی. دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
23. Andoni, Lamis,(1999),"Redefining Oslo": Negotiating the Hebron Protocol. (Journal of Palestine Studies).
24. Friedman, Matti,(2011) Israel anticipates change in Syria, April 27, at:www.statesman.com/news/nation/israel-anticipates-change-in-syria-1436405.
25. Muhareb, Mahmoud,(2011), "Israel and the Egyptian Revolution", Arab Center for Research & PolicyStudies.
26. Yaari,Ehud, The Arab Revolutions: an Israeli perspective, 15 March,in:www.Washingtoninstitute.org/templateco5.php?cid=3328.
27. Ziad, Abu-Amr,(1997), The Palestinian Legislative Council. Journal of Palestine Studies. Vol XXVI. No 4.
28. <http://afghanistan.shafaqna.com>.
29. <http://www.basirat.ir>.
30. <http://www.fas.org>.
31. <http://www.hawzah.net>.
32. <http://www.idf.il/english/doctorine/docs.stm>.
33. <http://www.irdiplomacy.ir>.
34. <http://www.zionism.pchi.ir>.